
بحران در بازارهای جهانی کشاورزی

دکتر محسن محسنین

موفقیت در تغذیه جمعیت در حال رشد، بزرگترین دستاورد کشاورزی جهانی در ۴۰ سال اخیر به شمار می آید. در عرض ۳۰ سال جمعیت جهان دو برابر شده و در سال ۱۹۹۴ از مرز ۵/۵ میلیارد نفر عبور کرده است، تولیدات کشاورزی نیز، برخلاف نظر مالتوس، به موازات جمعیت افزایش یافته و در طول این مدت هر ساله به طور متوسط ۲٪ در کشورهای توسعه یافته و بیش از ۳٪ در کشورهای در حال توسعه رشد داشته است. بر طبق آمار و محاسبات فائو متوسط مواد غذایی در دسترس جمعیت جهان از ۲۳۰۰ کالری سرانه در روز در ۱۹۶۱ - ۶۳ به ۲۷۰۰ کالری در ۱۹۸۸ - ۹۰ و در کشورهای در حال توسعه از ۱۹۴۰ کالری به ۲۴۷۰ کالری در عرض این مدت افزایش یافته است (جدول ۱).

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۹

جدول ۱: عرضه انرژی غذایی سرانه در جهان کالری سرانه / در روز

منطقه	۶۳-۱۹۶۱	۷۱-۱۹۶۹	۸۱-۱۹۷۹	۹۰-۱۹۸۸
جهان	۲۳۰۰	۲۴۳۰	۲۸۵۰	۲۷۰۰
کشورهای توسعه یافته	۳۰۶۰	۳۱۹۰	۳۲۹۰	۳۴۰۰
آمریکای شمالی	۳۲۲۰	۳۳۳۰	۳۳۳۰	۳۶۰۰
اروپا	۳۲۴۰	۳۳۷۰	۳۳۷۰	۳۴۵۰
اقیانوسیه	۳۲۹۰	۳۲۹۰	۳۱۶۰	۳۳۳۰
شوروی سابق	۳۳۲۰	۳۳۲۰	۳۳۷۰	۳۳۸۰
کشورهای در حال توسعه	۱۹۴۰	۲۱۲۰	۲۳۳۰	۲۴۷۰
آفریقا	۲۱۴۰	۲۱۴۰	۲۱۸۰	۲۲۰۰
خاور دور	۲۰۴۰	۲۰۴۰	۲۲۵۰	۲۴۵۰
آمریکای لاتین	۲۵۰۰	۲۵۰۰	۲۶۹۰	۲۶۹۰
خاور دور	۲۰۴۰	۲۰۴۰	۲۲۵۰	۲۴۵۰
خاور نزدیک	۲۴۲۰	۲۴۲۰	۲۸۱۰	۲۹۲۰

این واقعیتی انکارناپذیر است، هر چند که نابرابری شدید بین قشرهای مختلف کشورهای توسعه یافته را می‌پوشاند.

پیشرفت فنی

از جنگ جهانی دوم به بعد، افزایش تولیدات کشاورزی مرهون پیشرفت فنی بوده است. کشورهای توسعه یافته بیشترین رشد را در عملکرد محصولات کشاورزی داشته‌اند. در کشورهای شمال بخوبی دیده می‌شود که به‌یمن استفاده از ماشین آلات و ابزار جدید، کودهای شیمیایی و سموم مؤثرتر بذرهای اصلاح شده و بهبود نژاد و تغذیه بهتر دامها مقدار بیشتری محصول تولید می‌شود. در فرانسه در ۱۹۳۹ بیش از ۷ میلیون نفر در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند ولی نمی‌توانستند غذای ۴۰ میلیون فرانسوی را تأمین کنند. واردات مواد غذایی خیلی بیشتر از صادرات آنها بود. حال آنکه اکنون تنها ۱/۵ میلیون نفر در بخش کشاورزی فعال و می‌توانند به‌راحتی ۵۸ میلیون نفر را غذا بدهند و حتی مازاد هم برای صادرات داشته باشند. در کشورهای در حال توسعه نیز پیشرفت فنی نقش خود را بازی کرده است. به‌یمن «انقلاب سبز» و افزایش عملکردها در بسیاری از این کشورها و بویژه در چین و هندوستان تعداد گرسنگان مزمن رو به کاهش است. (جدول ۲)

جدول ۲: عملکرد گندم در برخی از کشورهای کیلوگرم در هکتار

کشور	۱۹۹۲	۱۹۶۲
هلند	۸۰۱۵	۴۵۵۰
انگلستان	۶۸۶۶	۴۳۵۰
فرانسه	۶۴۹۴	۳۰۷۰
چین	۳۲۹۵	۶۹۰۰
ایالات متحده امریکا	۲۶۵۰	۱۶۹۰
شوروی سابق	۱۹۶۶	۱۰۵۰
هند	۲۳۹۷	۸۹۰
الجزایر	۹۸۹	۸۰۰
ایران	۱۵۴۵ (آبی ۲۷۰۰، دیم ۹۱۰ کیلو)	۹۰۰
پاکستان	۱۹۹۱	۸۲۰
ترکیه	۲۱۰۰	۱۰۸۰

منبع: (۳) ۱۹۹۲ و ۱۹۶۵

* متوسط ۴ سال

امروز تحقیقات بر بیوتکنولوژی و ژنتیک متمرکز است. مؤسسات تحقیقاتی برای افزایش باز هم بیشتر عملکرد محصول و تنوع بخشیدن به تولیدات فعالیت می‌کنند. لیکن تحقیقات ژنتیک هنوز دوران کودکی را می‌گذرانند هر چند که تولید «بذرهای مصنوعی» به تدریج میسر می‌شود. تحقیقاتی نیز برای چند برابر کردن تعداد جنین دامها ادامه دارد که در صورت موفقیت تولیدات دامی چندین برابر خواهد شد. بسیاری نیز به دنبال تولید «گیاه ایدآل» هستند، گیاهی که در مقابل بلایای خارجی مانند خشکی، بیماریها، آفات و علفها مقاوم باشد.

مازاد تولید در شمال

پیشرفت فنی باعث افزایش شدید تولید در کشورهای شمال شد. ذخایر گندم این کشورها و عمدتاً آمریکا و اتحادیه اقتصادی اروپا، از ۱۲۵ میلیون تن در ۱۹۸۴ به ۱۶۱ میلیون تن در ۱۹۸۶ -۸۷ افزایش یافته است. حال آنکه تقاضا تقریباً ثابت مانده است. در کشورهای توسعه یافته رشد جمعیت ناچیز است و سطح مصرف سرانه نیز تقریباً به حد اکثر خود رسیده است. در کشورهای در حال توسعه رشد جمعیت زیاد است ولی امکانات واردات به علت بدهکار بودن اغلب این کشورها ضعیف است.

از سوی دیگر کشورهایی چون هندوستان و چین که نزدیک به یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند تا اندازه‌ای خودکفا شده‌اند. عوامل دیگری نیز بر رشد ضعیف تقاضا تأثیر گذاشته است. نخست آنکه فاصله زمانی‌ای که بین تغییرات تولید و تغییرات قیمت‌های جهانی وجود دارد اجازه نمی‌دهد که تولید، خود را به سرعت با نوسانات قیمت منطبق سازد، بویژه آنکه سیاست‌های کشاورزی آمریکا و اتحادیه اقتصادی اروپا نیز با جدا کردن سیستم تولید داخلی خود از بازار جهانی این فاصله را افزایش داده است. حفظ قیمت‌های بالا در بازارهای داخلی باعث افزایش حجم تولیدات کشاورزی شده بدون آنکه به اصل مزیت‌های نسبی توجه شده باشد.

علاوه بر آن اجرای سیاست سوبسید به صادرات، کشاورزان را به صدور محصولاتشان تشویق کرده است.

نبود امنیت غذایی در جنوب

خبر از پیدایش مازاد در کشورهای شمال همزمان با قحطی در افریقا جزو مطالب معمولی هر مجله‌ای است. پیشرفت فنی گرسنگی را از بین نبرده است. فائو تعداد افرادی را که جیره غذایی‌شان کمتر از ۱۵۰۰ کالی در روز است (در حالی که حداقل نزدیک به ۲۳۰۰ کالی است) به حدود ۸۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ برآورد می‌کند. این عدد مربوط به کسانی است که دچار کمبود غذایی هستند در حالی که میلیونها نفر هم، بویژه از کودکان، زنان، پیران و روستاییان بی‌زمین از سوء تغذیه رنج می‌برند (جدول ۳). گرسنگی عمدتاً گریبانگیر کشورهای بی‌سودان جنگ بوده‌اند: بیافرا (۱۹۶۸ - ۷۰)، کامبوج (۱۹۷۵ - ۷۹)، اتیوپی (۱۹۸۴ - ۸۵ - ۸۷)، سودان (۱۹۸۹ - ۹۰ - ۱۹۸۵) و سومالی.

خودکفایی به این معنا نیست که تمامی افراد کشورها لزوماً درست تغذیه می‌شوند. مثال هندوستان در این مورد بسیار بارز است. در این کشور که جامعه آن طبقاتی و متشکل از کاستهاست. نابرابریها و در نتیجه نابرابری در مصرف مواد غذایی شدت مشاهده می‌شود. در عرض ۲۵ سال هندوستان خودکفا شده و وارداتش را به‌طور چشمگیری کاهش داده ولی نابرابریهای تغذیه‌ای همچنان باقی است.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۹

جدول ۳: جمعیت چهارگرسنگی مزمین در کشورهای توسعه نیافته

منطقه	دوره	کل جمعیت	گرسنگی جمعیت	درصد جمعیت تعداد
		میلیون نفر	%	میلیون نفر
آفریقا	۱۹۶۹-۷۱	۲۸۸	۳۵	۱۰۱
	۱۹۷۹-۸۱	۳۸۴	۳۳	۱۲۸
	۱۹۸۸-۹۰	۵۰۵	۳۳	۱۶۸
خاور دور	۱۹۶۹-۷۱	۱۸۸۰	۴۰	۷۵۱
	۱۹۷۹-۸۱	۲۳۱۱	۲۸	۶۴۵
	۱۹۸۸-۹۰	۲۷۳۱	۱۹	۵۲۸
آمریکای لاتین	۱۹۶۹-۷۱	۲۸۱	۱۹	۵۴
	۱۹۷۹-۸۱	۳۵۷	۱۳	۴۷
	۱۹۸۸-۹۰	۴۳۳	۱۳	۵۹
خاور نزدیک	۱۹۶۹-۷۱	۱۶۰	۲۲	۳۵
	۱۹۷۹-۸۱	۲۱۰	۱۲	۲۴
	۱۹۸۸-۹۰	۲۶۹	۱۲	۳۱
کل مناطق در حال توسعه	۱۹۶۹-۷۱	۲۶۹	۳۶	۹۴۱
	۱۹۷۹-۸۱	۳۲۶۲	۲۶	۸۴۴
	۱۹۸۸-۹۰	۳۹۳۸	۲۰	۷۸۶

سیاستهای کشاورزی

آمریکا و اتحادیه اقتصادی اروپا، بزرگترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی، برای حفظ موقعیتشان در بازار جهانی با تمام قوا از کشاورزی و کشاورزان خود حمایت می‌کنند. این کشورها برای فروش محصولاتشان که عمدتاً حاصل حمایت از درآمدهای کشاورزان است وارد مسابقه سوبسید به صادرات شده و از این طریق قیمتهای جهانی را تحت فشار قرار داده‌اند.

کشورهای توسعه یافته از جنگ جهانی دوم سیستمهایی برای حمایت از بخش کشاورزی خود به وجود آورده‌اند که هدف آن رساندن درآمدهای کشاورزان به سطح درآمد سایر مشاغل و تأمین امنیت غذایی کشور است. وجود گروههای فشار موسوم به «گروههای مذاکرات رسمی»^(۱) و موفقیتهای چشمگیر آنها. در دفاع از منافع کشاورزان، وجود مازاد تولید و کاهش قیمت محصولات حمایت از بخش کشاورزی را توجیه کرده است.

این کمکها را چگونه می‌توان به رقم درآورد؟ بدین منظور «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)» محاسباتی کرده و به معیاری تحت عنوان ضریب کمکهای مالی (Equivalent Subvention à la Production) دست یافته است. این ضریب عبارت است از درصد ارزش انتقالیهای پولی دریافت شده توسط کشاورزان به ارزش تولید، چه این انتقالیها از طریق کاهش مالیات مستقیم باشد و چه از طریق سوبسید با افزایش مالیات بر مصرف خلاصه نتایج حاصل از محاسبات برای ۱۳ کشور صنعتی در جدول ۴ ملاحظه می‌شود.

مبالغ کمک و نحوه حمایت در کشورهای مختلف متفاوت است. اتحادیه اروپا روش حمایت از قیمتها را انتخاب کرده، در حالی که آمریکا علاوه بر این روش کمک مستقیم یا غیر مستقیم را نیز اعمال می‌کند.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۹

جدول ۴: ضریب حمایت از تولیدات کشاورزی به درصد

کشور	۱۹۷۵/۸۵	۱۹۸۹
استرالیا	۱۱	۱۰
اتریش	۲۹	۴۴
کانادا	۳۰	۳۵
اتحادیه اقتصادی اروپا	۳۵	۳۸
فنلاند	۵۷	۷۲
ژاپن	۶۴	۷۲
زلاندنو	۲۳	۵
نروژ	۷۱	۷۴
سوئد	۴۲	۴۷
سوئیس	۶۷	۷۵
ایالات متحد آمریکا	۲۶	۲۷
متوسط کشورهای DECD	۳۴	۳۹

ضریب حمایت عبارت است از مجموع انتقالیهای پرداخت شده به کشاورزان تقسیم بر ارزش تولیدات کشاورزی
 مأخذ DECD به نقل از مأخذ (۴)

جنگهای تجاری

از همان ابتدای تأسیس اتحادیه اروپا جنگ تجاری اتحادیه و آمریکا آغاز شد و با ورود اسپانیا و پرتغال در اول ژانویه ۱۹۸۶ به اتحادیه شدت یافت. زیرا این دو کشور که از واردکنندگان غلات

هستند از این پس باید تعرفه‌های گمرکی خود را برای کشورهای عضو اتحادیه به صفر برسانند. در این میان آمریکا زیان می‌بیند، زیرا صادرکننده غلات به اسپانیا و پرتغال است. بنابراین اتحادیه را تهدید می‌کند که جلوی ورود کنیاک را به آمریکا خواهد گرفت. اتحادیه واکنش نشان می‌دهد و اعلام می‌کند که از خرید گلو تن ذرت (غذای دام) خودداری خواهد کرد. خطر جنگ بالا می‌گیرد ولی سرانجام پس از مذاکرات فشرده دو ابر قدرت کشاورزی در ژانویه ۱۹۸۷ به توافق می‌رسند: تمامی سهمیه ورود سوگوم و ذرت به اسپانیا اختصاص به آمریکا می‌یابد و قانون معروف به ۱۵٪ لغو می‌شود. طبق این ماده ۱۵٪ بازار غلات پرتغال در انحصار جنگ دیگری نیز بین امریکاییها و اروپاییها در گرفته بود. بدین ترتیب که اروپاییها مقرراتی بهداشتی برای واردات محصولات کشاورزی وضع کرده بودند که معمولاً بهانه‌ای برای محدود کردن برخی از محصولات می‌شد. برای مثال از آنجا که در اروپا استفاده از هورمون در پرورش گاو ممنوع است بسیاری از گاوداران آمریکایی نمی‌توانند تولیدات خود را به اروپا صادر کنند.

کشاورزی، سالهای دور از تجارت آزاد

گات، از همان ابتدا کشاورزی را به چشم دیگری نگاه می‌کرد. مقررات بازرگانی بین‌المللی گات استثنائاتی برای کشاورزی قائل شده و آن را از ورود به جنبش آزادسازی مبادلات معاف کرده بود. امریکاییها در مذاکرات تکیه بر این می‌کردند که برای کشاورزی باید مقررات ویژه‌ای وضع کرد. در حالی که بسیاری از کشورهای دیگر بر این عقیده بودند که تقریباً همان مقررات حاکم بر مبادلات صنعتی در مورد محصولات کشاورزی کشورهای توسعه یافته نیز باید رعایت شود. در ۱۹۵۱ کنگره آمریکا موادی به «قانون تعدیل کشاورزی (Agricultural Adjustment Act)» مصوب ۱۹۳۳ افزود و تأکید کرد که قانون AAA بر هر موافقتنامه بین‌المللی رجحان دارد. هدف قانون تعدیلی که در دوران بحران بزرگ سالهای ۳۰ وضع شده بود تثبیت قیمت

غلات بود. بدین منظور برنامه‌هایی برای کنترل تولید، تثبیت قیمت‌ها در بازار داخلی و سوبسید به صادرات برای فروش بهتر محصولات در بازارهای جهانی در این قانون پیش‌بینی شد. در ضمن به‌درست اجازه داده شد با وضع تعرفه‌های گمرکی و تعیین سهمیه واردات برای محصولاتی که ممکن بود تثبیت قیمت‌ها در بازارهای داخلی را مختل کنند، واردات را کنترل نماید. در سال ۱۹۵۵ هم آمریکا موفق شد تبصره‌ای در گات به تصویب رساند و واردات شکر، کائوچو و محصولات لبنی خود را کاهش دهد.

البته آمریکا تنها کشوری بود که از چنین تبصره‌هایی بهره‌گرفت، ژاپن و سوئیس نیز که واردکنندگان محصولات کشاورزی بودند و سیاست حمایتی شدیدی را دنبال می‌کردند در موقع ورود به گات از تبصره‌های مشابهی برخوردار شدند. کشورهای اتحادیه اقتصادی اروپا هم در سالهای آخر دهه ۶۰ بدون آنکه به‌طور رسمی تبصره‌ای شامل حالشان باشد از این استثنائات استفاده می‌کردند.

اساساً کلیه مقررات حاکم بر مبادلات صنعتی بر مبادلات کشاورزی نیز تسری دارد. ولی ماده ۱۶ گات (ماده سوبسیدها) آشکارا استثناهایی در مورد محصولات کشاورزی قائل شده است. طبق این ماده هرگونه سوبسید به صادرات محصولات غیراولیه ممنوع است و پرداخت سوبسید به محصولات اولیه به شرطی مجاز است که موجب تغییر بازار توسط کشور مورد بحث نشود یعنی این کشور از «سهم عادلانه‌اش در بازار» تجاوز نکند. البته عبارت مبهم «سهم عادلانه» دست را برای پرداخت هرگونه سوبسیدی به صادرات باز می‌گذارد.

مفر دیگر در ماده ۱۱ (حذف کلی محدودیتهای مقداری) مشاهده می‌شود. برطبق این ماده سهمیه‌بندی واردات و صادرات ممنوع است ولی زمانی که تراز پرداختها دچار عدم توازن شود می‌توان از تبصره‌های خاصی که در این ماده وجود دارد استفاده کرد و سهمیه‌هایی در نظر گرفت. برای برخی از محصولات کشاورزی نیز به‌طور مشخص استثناهایی در نظر گرفته شده

است. به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که محدود ساختن واردات زمانی مجاز است که به نظر برسد موفقیت در تثبیت تولیدات کشاورزی مشروط به این محدودیت است.

دوئل آمریکا / اتحادیه اقتصادی اروپا

با بیانیه Punta del Este در سپتامبر ۱۹۸۶ دور اروگوئه آغاز شد هدف چه بود؟ کنار گذاشتن سیاستهایی که به رقابت در تولید و تجارت خدشه وارد می‌سازد و در مقابل اعمال سیاستهایی که آزادی مبادلات را توسعه می‌بخشد. بنابراین هدف به‌طور مشخص‌تر عبارت بود از:

- کاهش موانع واردات

- کاهش سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم که معمولاً برای تسهیل فروش

محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی پرداخت می‌شد.

- نظم و نسق دادن و هماهنگ کردن مقررات بهداشتی و بهداشتی / گیاهی

در حال حاضر ۱۵ موضوع در دستور جلسه مذاکرات گات قرار دارد، کشاورزی و

خدمات در قلب این مذاکرات جای دارند. کند شدن دور اروگوئه که نتوانست در تاریخ پیشینی

شده (دسامبر ۱۹۹۰) به پایان برسد عمدتاً به علت نرسیدن به توافق بین آمریکا و اتحادیه اروپا

در زمینه مسائل کشاورزی بود گروههای قدرت در آمریکا بسیار نیرومندند، برخی از کشورهای

اتحادیه مخصوصاً فرانسه، نیز ترجیح می‌دهند اصلاً موافقتنامه‌ای امضاء نکنند. بدین لحاظ هر

دو طرف شدیداً روی مواضع خود ایستاده‌اند این برای اولین بار است که آزادی مبادلات

محصولات کشاورزی در دستور روز قرار گرفته است. مذاکرات دور اروگوئه به‌خلاف مذاکرات

دور کندی (۱۹۶۳ - ۶۷) و دور توکیو (۱۹۷۳ - ۷۹) تمامی خدمات و محصولات صنعتی و

کشاورزی را در برمی‌گیرد و با دیدی کلی‌تر به این مقولات می‌نگرد.

در دور اروگوئه تمامی مقررات مربوط به کمک به بخش کشاورزی از جمله کمکهای

داخلی و سیاستهای بازرگانی، مورد بحث قرار می‌گیرد. در این دور آمریکا اولویت را به مقوله کشاورزی داده و به‌خلاف مواضع گذشته خود، به‌عنوان حامی سرسخت آزادی مبادلات وارد صحنه شده، اتحادیه اروپا را به «رقابت وظیفه‌نشناسانه» متهم ساخته و با تکیه بر حمایت گروه کاینز* Cairns (بویزه استرالیا، زلاندنو و کانادا) به مبارزه با سیاست کشاورزی اتحادیه (PAC) پرداخته است. اتحادیه اروپا با حمله آمریکا محتاطانه برخورد می‌کند زیرا بیم آن دارد که تمامی این اتحادیه زیر سوال رود بدین لحاظ است که سرانجام رضایت داده که در زمینه مبادلات محصولات کشاورزی شروع به مذاکره کند ولی به این شرط که مذاکرات در مورد خدمات نیز در دستور روز قرار گیرد.

پیشنهاد های آمریکا

آمریکا در دور اروگونه سه پیشنهاد عمده را مطرح می‌کند:

- کاهش موانع غیر تعرفه‌ای در مبادلات کشاورزی و تبدیل این موانع به عوارض گمرکی.
تبدیل تمامی موانع غیر پولی گمرکی به عوارض گمرکی و ممانعت از افزایش این عوارض و سپس کاهش تدریجی عوارض (براساس ارزش متوسط سالهای ۱۹۸۶ - ۸۸) در طی یک دوره ده ساله که از ۱۹۹۱ آغاز شود.

- حذف سوبسید صادرات

کاهش تدریجی سوبسید صادرات به میزان ۹۰٪ در عرض ۱۰ سال (از ۱۹۹۱) و در ضمن حذف کامل این سوبسید برای محصولات تبدیل شده.

کاهش تدریجی حمایت‌های داخلی

حمایت‌های داخلی‌ای که بر عرضه محصولات مؤثرند باید در عرض ۱۰ سال (از ۱۹۹۱) به اندازه ۷۵٪ متوسط حمایت‌های سالهای ۱۹۸۶-۸۸ کاهش یابند. در این مورد بویژه آن گونه حمایت‌هایی درآمدی مورد نظر است که به افزایش تولید مربوط می‌شود، حال آنکه سیاست‌های حمایت از درآمدی که مانند سیاست‌های حفظ محیط‌زیست، تحقیقات، آموزش و ترویج برحسب افزایش تولید نمی‌شود مشمول مقررات پیشنهادی فوق نمی‌گردد و سرانجام سوبسید به‌نهاده‌های غیر مرتبط با حجم تولید مشمول کاسته نمی‌شود ولی حتماً باید تحت نظم مشخص قرار گیرد.

موضع آمریکا نسبت به زمان آغاز گات کاملاً تغییر کرده است. در ابتدا آمریکا به دنبال به‌تصویب رساندن تبصره‌هایی در مورد محصولات کشاورزی و خارج کردن برخی از این محصولات از حیطه شمول مقررات گات بود. ولی امروزه هوادار سرسخت مبادله آزاد در کشاورزی شده است. حمله آمریکا، پیشنهاد «آلترناتیو دو صفر» از ۱۹۸۷ آغاز می‌شود. برطبق این آلترناتیو کلیه سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم باید تا سال ۲۰۰۰ حذف شوند. لیکن این موضع افراطی با موانع سخت برخورد می‌کند و آمریکا ناگزیر روش ملایمتری در پیش می‌گیرد و اصل «تفکیک» را پیشنهاد می‌کند. برطبق این پیشنهاد اقدامات تجاری موصوف به «وظیفه شناسانه» را باید از «کمک‌های مستقیم داخلی» جدا کرد. در صورت تصویب این پیشنهاد بخش مهمی از سیاست‌های کشاورزی داخلی آمریکا «وظیفه شناسانه» می‌شود در حالی که زیربنای سیاست کشاورزی اتحادیه که همانا «اصل رجحان کشورهای عضو اتحادیه است متزلزل می‌گردد.

عکس‌العمل اروپا چه بود؟ کمیسر کشاورزی اروپا پیشنهاد کرد که در عرض ۱۰ سال (از ۱۹۸۶) ۳۰٪ حمایت از کشاورزی کاهش یابد. ولی ۱۲ کشور عضو اتحادیه با هرگونه تعهد مشخصی به منظور کاهش سوبسید صادرات و یا به‌زیرسوال بردن «اصل رجحان» مخالف بودند

حتی آنها تصمیم گرفتند که حقوق گمرکی واردات روغنهای خوراکی و مواد غذایی جایگزین غلات را افزایش دهند تا بین انواع مختلف خوراک دام تعادلی به وجود آید.

پیشنهاد اروپاییها در سه زمینه اصلی با پیشنهاد آمریکاییها فرق می‌کرد. اولاً اروپاییها پیشنهاد می‌کردند که کاهش کمکها به کشاورزی خیلی محدودتر باشد، ثانیاً کاملاً با اصل «تفکیک» آمریکاییها مخالف بودند و می‌خواستند آزادی بیشتری در انتخاب مقدار و نحوه کاهش سوبسید به صادرات و کمک‌های داخلی داشته باشند. و سرانجام سال ۱۹۸۶ را به عنوان سال پایه پیشنهاد می‌کردند زیرا با انتخاب این سال کاهشهایی را که اتحادیه از آن سال به بعد در مورد کمک به کشاورزی اعمال کرده بود می‌توانست در محاسبات منظور کند. مقررات حاکم بر سیاست کشاورزی اتحادیه با روش «کاهش تدریجی کمک به سختی انطباق می‌یابد زیرا قسمت اعظم این مقررات تابع قیمتهای جهانی است. قیمتهایی که ثابت نیستند و تحت کنترل اروپاییها نیز قرار ندارند. پذیرش برنامه آزادسازی مبادلات کشاورزی، همانند برنامه پیشنهادی آمریکاییها، برنامه کشاورزی اتحادیه را کاملاً به‌زیر سوال خواهد برد.

باتوجه به بلوکه شدن مذاکرات، مدیرکل گات پیشنهاد جدید بینایی را در دسامبر ۱۹۹۱ ارائه کرد. این پیشنهاد هنوز منتشر نشده بود که با مخالفت بروکسل روبرو شد زیرا برآن بود که قیمتهای تضمینی ۲۰٪ کاهش یابند، دروازه‌های بازار اتحادیه بازتر شود و کمک به صادرات اتحادیه شدیداً کاهش یابد. کمیسیون اروپایی براین عقیده بود که این پیشنهاد کاملاً به‌نفع آمریکاست.

یک‌سال و نیم بعد تغییراتی در میدان مبارزه آمریکاییها و اروپاییها به‌وجود آمده، سیاست کشاورزی اتحادیه دگرگون شد و ۱۲ کشور اتحادیه موافقت کردند که میزان تولیداتشان کاهش یابد. بدین ترتیب سیاست کشاورزی اتحادیه به‌سیاست کشاورزی آمریکا نزدیک شد. برطبق سیاست جدید، حمایت از کشاورزان دیگر از طریق قیمتهای تضمینی نخواهد بود بلکه از راه

دادن جایزه مستقیم به کشاورزانی که توانسته‌اند تولیدات و عملکرد تولید خود را کاهش دهند صورت خواهد گرفت. آمریکا از تصمیمات جدید اتحادیه استقبال می‌کند ولی اعلام می‌دارد که این تصمیمات ناقصند و نمی‌توانند حجم تولید را به اندازه کافی کاهش دهند. «انقلاب» تأثیر چندانی بر مواضع طرفین در مذاکرات دور اروگوئه باقی نگذاشت.

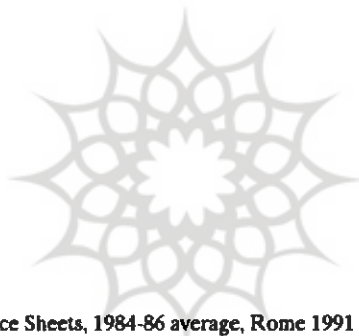
سایر طرفهای درگیر در گات

ژاپن، سوئیس و کشورهای اسکاندیناوی طرف اتحادیه را گرفتند. این کشورها طرفدار به حداقل رساندن میزان آزادسازی مبادلات کشاورزی هستند ولی چون سهمشان در تجارت بین‌المللی چندان مهم نیست قدرت زیادی در مذاکره ندارند. ژاپن موافق پیشنهاد اروپاییها برای کاهش ۳۰٪ کمک به غلات است ولی مشروط به آنکه برنج از آن مستثنی باشد. آمریکاییها در این مورد سخت به ژاپن‌ها حمله کرده‌اند زیرا می‌خواهند بازار ژاپن به روی برنج آمریکایی باز شود.

به‌عکس کشورهای فوق: گروه کایرنز هوادار لغو هرگونه مکانیسم حمایتی است. این گروه که در ۱۹۸۶ در یک روستای آب معدنی استرالیایی شکل گرفت و نام این محل را بر خود گذاشت شامل ۱۴ کشور (استرالیا، زلاندنو، کانادا، آرژانتین، برزیل، شیلی، فیجی، اندونزی، تایلند، کلمبیا مالزی، فیلیپین، اروگوئه و مجارستان) است و از نظر گات اعضای آن صادرکنندگان کشاورزی «وظیفه‌شناس» محسوب می‌شوند، یعنی صادرکنندگانی که به محصولات کشاورزشان سوبسید نمی‌دهند. گروه کایرنز با در دست داشتن ۲۲٪ صادرات جهانی محصولات کشاورزی وزنه سنگینی در مذاکرات گات است و چون احساس می‌کند که قربانی جنگ تجاری اروپا و آمریکا شده است در راه آزادسازی هر چه سریعتر و بیشتر معادلات کشاورزی با تمام قوا می‌کوشد.

البته ناهمگونی گروه قدرت آن را کاهش داده (برای مثال کانادا که ستاً دخالت‌گراست گاهی مواضع گروه را به‌زیر سوال می‌برد) ولی به‌طور کلی برای مبارزه با سیاست کشاورزی

اتحادیه در کنار آمریکا قرار دارد.



منابع

- 1 - FAO, Food balance Sheets, 1984-86 average, Rome 1991
- 2 - FAO, Statistics Division, «World food supplies and the Prevalence of chronic undernutrition in developing regions as assessed in 1992, Rome, 1992.
- 3 - FAO Yearbook Production Rome
- 4 - S. Garnier, Ph. Riviere, «Agricultures en Crises» Hatier, Paris, 1992.

پانویس

■ این مقاله عمدتاً ملهم از کتاب زیر است:

S.Garnier, Ph. Riviere, «Agricultures en Crises», Hatier, Paris, 1992.